

## کاربرد زبان‌شناسی حقوقی در علوم قضایی ایران

حسین افراسیابیان<sup>۱</sup>، زهرا منتظری<sup>۲</sup>

۱ و \* - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز

Hossein\_afraziabian@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز

Zahra.montazeri۳۸@yahoo.com

### چکیده

مشکل بتوان به حوزه‌ای از امور روزمره زندگی اشاره کرد که زبان در آن نقش نداشته باشد. همین امر، به گسترش مطالعات میان-رشته‌ای از کاربرد دانش زبان‌شناسی در علوم مختلف از جمله مطالعات حقوقی و علوم قضایی انجامیده است. یکی از گرایش‌های نوین در زبان‌شناسی کاربردی که بیش از چند دهه از عمر آن نمی‌گذرد، زبان‌شناسی حقوقی (یا قضایی) نام دارد که متأسفانه، تا کنون نقش و جایگاه شاخه‌های مختلف این علم در ساختار قضایی کشور پیش‌بینی نشده است. از این رو، در این جستار تلاش می‌شود با اتکاء به پرونده‌های حقوقی خارج از کشور، حوزه کاربردی این دانش و نقش زبان‌شناسان در ارائه نظرات کارشناسانه به نظام قضایی کشور، بیش از پیش روشن‌تر گردد.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، زبان‌شناسی قضایی، زبان‌شناسی کاربردی.

## ۱- مقدمه

از دیرباز، صاحب‌نظران و محققین علم زبان‌شناسی، بنیان این دانش را مبتنی بر مطالعه علمی زبان دانسته‌اند. اما، بسیاری از زبان‌شناسان در تبیین رسالت اصلی علم زبان‌شناسی معتقداند، پرداختن صرف به بررسی‌های علمی از شروط لازم در این دانش به شمار می‌رود و شرط کافی آن مبتنی بر بکارگیری دستاوردهای همین مطالعات علمی، در سایر حوزه‌های کاربردی علوم مختلف است. از همین رو، امروزه زبان‌شناسی کاربردی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات زبان‌شناختی برخوردار است. در این رویکرد از دانش زبان‌شناسی، زبان‌شناسان می‌کوشند ضمن طرح و عرضه مفاهیم و یافته‌های راهبردی زبان‌شناسی نظری، به تبیین نقش و جایگاه علم زبان‌شناسی در حوزه‌های مختلف علمی بپردازند. در گذشته، حیطه زبان‌شناسی کاربردی را تنها به مسائل و چالش‌های پیرامون فراگیری (زبان مادری) و نیز یادگیری زبان دوم محدود می‌دانستند؛ اما رفته‌رفته زبان‌شناسان پا را از این محدوده فراتر نهاده و دامنه مطالعات خود را به حوزه‌هایی همچون ارتباطات، پزشکی، تبلیغات، تجارت، مدیریت و امروزه به حقوق بسط داده‌اند. علم حقوق که قبلاً از منظر مطالعات میان‌رشته‌ای، مورد توجه انسان‌شناسان، روان‌شناسان و یا جامعه‌شناسان قرار می‌گرفت، کمتر از سه دهه است که مورد توجه زبان‌شناسان واقع شده است.

زبان‌شناسان در این شاخه از زبان‌شناسی کاربردی، می‌کوشند تا با اتکاء به شواهد زبان‌شناختی مرتبط با رفتارهای زبانی متهمین، به چالش‌های موجود در حل مسائل و پرونده‌های حقوقی پاسخ گویند. از همین رو، محققین امر عبارت «forensic linguistics» را بر حوزه مطالعات خود نهاده‌اند. البته عبارت مذکور در زبان فارسی به صورت زبان‌شناسی قانونی (استاجی، ۱۳۸۷؛ شای ۱۳۸۴)، زبان‌شناسی حقوقی (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶؛ عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱)، زبان‌شناسی قضایی (آقاگل‌زاده ۱۳۸۴؛ منصور، ۱۳۸۹) و زبان‌شناسی محکمه‌ای (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴) ترجمه شده است. لیک، فارغ از هر صورتی که به عنوان معادل این عبارت در نظر گرفته شود، این رویکرد میان‌رشته‌ای توانسته است در طی چند سال اخیر، حیطه‌های کاربردی خود را در مسائل حقیقی و قضایی مشخص کند که از آن جمله می‌توان به ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان وکیل مدافع و شاهدان عینی، بازجویی پلیس یا قضات، ویژگی‌های شاخص زبانی در پیام‌های شفاهی و مکتوب مزاحمین یا قربانیان حادثه، بررسی نامه‌های تهدیدآمیز و غیره اشاره کرد (لوی، ۱۹۹۴). این یافته‌ها در دهه‌های اخیر، حکایت از پیدایش رویکردی نوین و علمی به تعامل میان دو حوزه زبان‌شناسی و حقوق دارد که جدی‌تر از قبل مطرح شده است و می‌توان این علم را هم‌راستا با کاربرد سایر علوم در امر قضاوت نظیر پزشکی قانونی، روان‌شناسی قانون و غیره قرار داد. شای (۱۹۹۰) پدر زبان‌شناسی حقوقی معاصر بیان می‌کند: سال‌هاست که زبان‌شناسان، حوزه کاری خود را به ارتباطات، تبلیغات و حتی اخیراً فصل مشترک زبان و قانون بسط داده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تشخیص صدا، رد پای زبانی پناهنجویان، تعیین هویت نویسنده اسناد مکتوب، صحت نامه‌های خودکشی، نامه‌های تهدید به اخاذی، شناسائی مؤلف در بین صدها نامه، پست الکترونیکی و بازسازی متن پیامک در تلفن همراه، در تحقیقات متعدد از قاتل گرفته تا تهدید شاهد، بررسی درباره آزار و اذیت جنسی، عدم توازن قدرت در دادگاه‌ها، ارتباط ناموفق وکیل و موکل، ماهیت شهادت دروغ، مشکلات مربوط به متون حقوقی، تهمت و افتراء، تقلب در عناوین تجاری و مالکیت معنوی، تعبیر و ترجمه مکالمات در دادگاه‌ها یا به عبارتی، نحوه تفسیر رأی دادگاه، ادعای تحریف بازجویی‌ها (توسط متهم مبنی بر اینکه اظهاراتش تحریف و یا دستکاری شده و تجزیه و تحلیل ماهیت مکالمات ضبط شده‌ای که به عنوان مدرک ارائه می‌شود).

متأسفانه علی‌رغم گزارشاتی که دال بر عملکرد مؤثر و موفق این رویکرد در شناسایی افراد مجرم از طریق تجزیه و تحلیل گفتار، نوشتار و نوع گویش فرد متهم، ارائه شده است، کماکان نظام قضایی بسیاری از کشورها از جمله ایران، جایگاهی را در روند کارشناسی مسائل و نیز بهره‌مندی از مشاوران حاذق این رشته، در نظر نگرفته‌اند. از همین رو، در این جستار تلاش می‌شود تا با اتکاء به نمونه پرونده‌های حقوقی و قضائی خارج از کشور، نقش و جایگاه کاربردی این علم را بیش از پیش روشن‌تر شود تا از این رهگذر، گفتمانی زبان‌شناسی حقوقی در کشور ما نیز فراگیر و به مجریان مربوطه شناسانده شود. از همین رو، مواردی از کاربرد مفاهیم نظری در زیرشاخه‌های مختلف علم زبان‌شناسی از جمله آواشناسی و واج‌شناسی، صرف و نحو، معناشناسی و حتی تحلیل گفتمان را که قضات با استناد به این شواهد زبان‌شناختی به صدور رأی پرداخته‌اند، به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی حقوقی، بر خلاف بسیاری از دانش‌های میان‌رشته‌ای که پیشینه‌ای طولانی در مطالعات علمی دارند، از دانش‌های میان‌رشته‌ای جدید محسوب می‌شود که بیش از سه دهه از عمر آن نمی‌گذرد. اگرچه از دهه ۱۹۸۰ بحث کاربرد حقوقی دستاوردهای زبان‌شناسی در اروپا مطرح شد، اما از دهه ۱۹۹۰ این مهم به صورت رسمی و تحت عنوان سازمان بین‌المللی زبان‌شناسی حقوقی پی گرفته شد و زبان‌شناسان توانستند به عنوان کارشناسان

رسمی حقوقی در محافل قضایی حاضر شده و به طرح نظرات کارشناسی در خصوص پرونده‌های حقوقی بپردازند. البته علی‌رغم عمر کوتاه زبان‌شناسی حقوقی، در طی سه دهه گذشته علاقمندان به نگارش کتب و مقالات ارزشمندی در این زمینه پرداخته‌اند که بیشتر به قابلیت‌های بلقوه مطالعات زبان‌شناختی در قانون و جزا اشاره داشته‌اند. خوشبختانه، در سالیان اخیر با تبیین اصول پژوهشی زبان‌شناسی حقوقی، مراجع دانشگاهی تمایل بیشتری به هدایت دانشجویان به تحقیق و نگارش پایان‌نامه‌های خود داشته‌اند.

البته، عمده تلاش‌های صورت گرفته در خصوص زبان‌شناسی حقوقی در کشور، متأسفانه محدود به معرفی و نیز گزارش نمونه‌هایی از کاربرد این دانش در امر قضاوت و نیز تحقیقات پلیس بوده است. البته در طی چند سال اخیر، با توجه به اهتمام صاحب‌نظران این حوزه به معرفی این دانش نو در ایران، استقبال پژوهشگران و نیز دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی و حقوق به طرح برنامه‌ها و مقالات تحقیقاتی در خور توجه بوده است. در این جستار نیز تلاش شده است تا ضمن معرفی اجمالی حوزه‌های کاربردی این دانش نو، به معرفی مواردی پرداخته شود که مجریان قضایی توانسته‌اند با استفاده از نظر زبان‌شناسان و استناد به شواهد زبان‌شناختی، با ارزیابی و تحلیل مدارک موجود در پرونده بپردازند. در این جستار سعی بر آن بوده تا با دسته‌بندی و طبقه‌بندی موارد موجود، کاربرد هر یک از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی معرفی و تبیین گردد.

### ۳- بحث پژوهش

ادله زبان‌شناسی را می‌توان در هر دو صورت شفاهی (نظیر مکالمات تلفنی) و مکتوب آن (مانند نامه‌های تهدیدآمیز)، در سطوح مختلف زبان‌شناسی اعم از: واج‌شناسی، واژگان و صرف، نحو، معناشناسی و تحلیل گفتمان بررسی کرد. در این قسمت تلاش می‌شود ضمن ارائه تعریفی از سطوح مختلف دانش زبان‌شناسی، به مرور اجمالی نمونه‌هایی که در بر اساس مفاهیم موجود در آن حوزه زبانی، تحلیل شده‌اند، پرداخته شود.

### ۳-۱- آواشناسی و واج‌شناسی

صداها و پدیده‌های آوایی زبان را از دو دیدگاه علمی مهم و متمایز یعنی آواشناسی و واج‌شناسی می‌توان بررسی کرد. دو دیدگاه یاد شده دو زمینه متمایز از دانش زبان‌شناسی را پدید می‌آورد، که هر چند از یکدیگر جدا هستند و در هر یک از این دو زمینه از روش‌های ویژه‌ای برای بررسی صداها و پدیده‌های آوایی استفاده می‌شود؛ اما، واج‌شناسی یا بررسی ساخت آوایی زبان تا حدود بسیار زیادی بر پایه یافته‌های آواشناسی قرار دارد. در حوزه واج‌شناسی، مسائلی مانند آوا، واج و واجگونه، پایه هجا، تکیه، آهنگ و وزن، مورد بررسی قرار می‌گیرد. زبان‌شناسان توانسته‌اند با استفاده از مضامین اصلی در این شاخه از زبان‌شناسی در روند رسیدگی پرونده‌های حقوقی به قضاوت و یا وکلای مدافع یاری رسانند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### دعاوی مربوط به اسامی کالاها و یا عناوین تجاری

مطابق با همین اصول، زبان‌شناسان توانسته‌اند در حل اختلافات و دعاوی حقوقی شرکت‌ها و مؤسسات تجاری که بر سر نام‌گذاری و علائم تجاری خود با یکدیگر اختلاف نظر دارند، مقام قضائی را با ارائه ادله‌ای مستدل یاری نمایند. در چنین مواردی زبان‌شناس می‌کوشد با تحلیل زیرساخت واج-شناختی و نیز توالی آواها در واژگان، مشخص کند که اختلاف واج‌شناختی و یا آوایی تا چه میزان می‌تواند مخاطب را در انتخاب محصول مورد نظر به اشتباه اندازد. البته قانون عناوین و نام‌های تجاری مدتی است که با اتکاء به آرای زبان‌شناسان حقوقی استناد نموده و مسائلی از قبیل اینکه آیا مردم در هنگام خرید اجناس با اسامی مشابه دچار اشتباه می‌شوند یا خیر، را در بر می‌گیرد. مک کارتی (۱۹۹۲) در پژوهش خود، به نمونه‌هایی از این جفت عناوین اشاره می‌کند؛ lorriane-latoraine، cosmat-comset. بوترز (۲۰۰۸) سه نقش زبان‌شناس حقوقی را در بررسی علائم تجاری به صورت؛ بررسی میزان تشابه و ایجاد ابهام، طبقه‌بندی علائم، و تقویت نشانه‌ها و علائم تجاری مشخص می‌سازد. به عنوان مثال، شرکت معتبر Aveda که در بازار اروپا و آمریکا فعالیت داد، از شرکتی با عنوان Avita که همان محصولات را تولید می‌کرد، به دلیل سؤاستفاده از تشابه صوری عنوان انتخابی، به مراجع قضایی شکایت کرد. در این پرونده زبان‌شناس با اتکاء به شواهد آوایی زبان نشان داد که دو واج /d/ و /t/ زمانی که در جایگاه بین واکه‌ای قرار می‌گیرند، اغلب به یک شکل تلفظ می‌شوند؛ علاوه‌براین، واکه‌های میانی /i/ و /e/ نیز ممکن است تلفظی یکسان داشته باشند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱). بنابراین، زبان‌شناس در این پرونده استدلال کرد که با توجه به ویژگی‌های تولیدی آواهای مذکور، امکان دارد این دو عنوان تجاری در تلفظ هم‌آوا گردند. بر طبق این شواهد، قاضی پرونده ضمن انحلال شرکت ثانی، آن را به پرداخت خسارت به شرکت Avenda محکوم کرد.

## ترسیم الگوی گفتاری مظنونین

البته، توجه به مشخصه‌های آکوستیکی یا صوتی آواهای گفتاری نیز، می‌تواند با ترسیم الگو و فیزیک گفتاری اشخاصی که پیام‌ها و یا مکالمات تلفنی تهدیدآمیز و یا تروریستی داشته‌اند، مراجع قضایی را در شناخت متهم اصلی از میان مظنونین احتمالی، یاری کند. در این شیوه، یک آواشناس ماهر به طریق علمی، به تحلیل شنیداری و ابزاری زبان می‌پردازد. منظور از تحلیل ابزاری این است که با استفاده از ابزارهایی خاص، نموداری قابل رؤیت از گفتار مظنون پرونده که به آن «طیف‌نگاشت صوتی» می‌گویند، عرضه کند. از این رو می‌توان با نشان دادن دو عامل تواتر و زبان بر روی یک نمودار، تصویری از گفتار ارائه داد. این کار با دستگاه طیف‌نگار صوتی انجام می‌گیرد (استاجی، ۱۳۸۵ به نقل از فرای، ۱۳۶۹: ۱۱۴). به عنوان نمونه هالین<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) در مورد شخصی که مظنون به مزاحمت‌های تلفنی مکرر با مرکز اورژانس بود، به بررسی مکالمات ضبط شده از مرکز اورژانس و نیز بازجویی پلیس پرداخت. از تطبیق نمودار گفتاری دو مکالمه مشخص شد، در هر دو مورد  $I/I$  به صورت ناقص به صورت بین واکه‌ای تولید شده است. پلیس متوجه این ویژگی مهم تشخیص صدا در گفتار نشده بود. این ویژگی به همراه دیگر ویژگی‌های گفتاری مانند لهجه اجتماعی، هالین را قادر ساخت تا تقریباً مطمئن شود که فرد مظنون همان فردی است که با مرکز فوریت مکرراً تماس گرفته است. بنابراین، فرد مظنون به عنوان متهم اصلی در پرونده ایجاد حریق عمدی مجرم شناخته شد. لازم به ذکر است که برخی نظیر کرسا<sup>۲</sup> (۱۹۶۲: ۱۲۵۳) معتقداند، می‌توان الگوی طیف‌نگاشت صوتی را مطابق با اثر انگشت افراد در نظر گرفت. اما باید توجه داشت که در واقعیت اینگونه نیست؛ چراکه صدا در طول زمان و گذر عمر تغییر می‌کند؛ این درحالی است که اثر انگشت فرد همواره تا آخر عمر او بافتی ثابت دارد.

البته شای (۲۰۰۱) اذعان می‌کند، تحلیل طیف‌نگاشتی در برخی از مراجع قضایی کماکان مورد پذیرش قرار نگرفته است. از طرفی در برخی مواقع از مظنون خواسته می‌شود که پیام تلفنی اولیه را عیناً بخواند تا بتوان واژه‌های گفته شده را دقیقاً با هم منطبق کرد. به اعتقاد برخی، خوانندگان متن با آگاهی کامل از موقعیت خود به عنوان یک مظنون ممکن است سعی کنند الگوهای گفتار عادی خود را تغییر دهند. آزمایشات طیف نگاشت هالین (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که گویندگانی که تلاش کرده‌اند تا با تغییر صدای خود از اتهام مبرا شوند، فقط توانسته‌اند در حد بیست درصد تأثیرگذار باشند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱).

علاوه بر ویژگی‌های صوت‌شناختی واژگان، متخصصان آواشناسی به سایر عوامل زبرنجیری و آواشناختی نیز توجه می‌کنند. باو و استوری (۱۹۹۵): ۱۹۹ در پرونده‌ای، به بررسی الگوی گفتاری یکی از مظنونین با صدای ضبط شده از یک مشتری‌ها پرداختند. در روند بررسی مشخص شد، اگرچه صدای مشتری به لحاظ برخی از ویژگی‌های تلفظی بسیار شبیه به صدای یکی از مظنون بود اما سبک آهنگ جملات او بسیار متفاوت بود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت علاوه بر ویژگی‌های خاص تولیدی واژگان، سبک آهنگ جملات، لهجه و یا گویش خاص مظنونین نیز می‌تواند به عنوان عاملی در تشخیص صاحب صدا مد نظر باشد.

منصوری (۱۳۸۹) بررسی پیشینه زبانی مظنونین را یکی دیگر از کاربردهای صوت‌شناسی در محدود کردن گزینه‌های احتمالی معرفی می‌کند. به تعبیر وی، در یک مکالمه تلفنی ضبط شده که به عنوان تنها سرنخ مجریان قضایی محسوب می‌شود، زبان‌شناس آگاه به زبان‌ها و گویش‌ها با تحلیل این مکالمه می‌تواند، ضمن مشخص کردن پیشینه زبانی گوینده در مکالمه تلفنی، به شناسایی مجرم اصلی کمک کند. با این همه باید دانست که اطلاعات به دست آمده از رهگذر آواشناسی قانونی قطعی نیست، و این شیوه از محدودیت خاص خود رنج می‌برد. اول آنکه ممکن است افراد در موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی با لحجه، گویش، شدت و تن صدای متفاوتی سخن بگویند. در این حالت حتی با انطباق طیف‌نگاشت‌های صوتی هم نمی‌توان به قطع هر دو صدا را به یک فرد منتسب دانست (افشار، ۱۳۸۷).

## ۳-۲- صرف (ساخت‌واژه) و نحو

ردفورد<sup>۳</sup> معتقد است، به طور سنتی دستور به دو بخش تقسیم می‌شده است؛ که البته این دو بخش از درون به یکدیگر مرتبط هستند. صرف که به مطالعه و تحلیل ساختار درونی واژه‌ها می‌پردازد و نحو نیز نحوه چینش کلمات، عبارات و به بیان فنی‌تر، سازه‌ها را در یک جمله بررسی می‌کند. در حقیقت، مطالعه روابط میان صورت‌های زبانی و آرایش آن‌ها به دنبال یکدیگر و رعایت ترتیب صحیح توالی آن‌ها در حوزه مطالعات نحوی تعریف می‌شود (بول، ۲۰۰۰).

<sup>۱</sup> hollein<sup>۲</sup> kresta<sup>۳</sup> Red ford



## ۳-۳- معنی‌شناسی، تحلیل گفتمان و کاربردشناسی

زبان‌شناسان در حوزه معنی‌شناسی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان، هستند. زبان‌شناس حقوقی، جهت تحلیل و تفسیر معانی موجود در سخنان شرکت‌کنندگان در گفتمان حقوقی دادگاه اعم از قاضی، وکیل مدافع، شاهد، متهم، شاکی و متشاکلی، متن کیفرخواست و غیره از مفاهیم و رویکردهای معناشناختی سود می‌جویند. اما مهم‌تر از همه، تحلیل محتوا یا همان تحلیل گفتمان یا تحلیل متنی از جایگاه بسیار ویژه‌ای در بررسی‌های زبان‌شناختی شواهد موجود در پرونده‌های حقوقی برخوردار است و می‌تواند دارای کاربردهای متنوعی باشد. یول و براون (۱۹۸۹) تحلیل گفتمان را اصطلاحی می‌دانند که گستره وسیعی از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهد چراکه، کاربرد زبان در بین سخن‌گویان آن زبان در اجتماع تحقق می‌یابد. از این رو در تحلیل گفتمان به بررسی نقش‌ها و کارکردهای زبان نیز پرداخته می‌شود، زیرا صورت‌های زبانی مطابق با نیازهای سخن‌گویان شکل می‌گیرند. به عقیده یول و براون زبان این وظیفه را در قالب دو نقش انتقالی (انتقال اطلاعات، معانی و مفاهیم) و نیز تعاملی (ایجاد روابط و مناسبات اجتماعی) در نظر می‌گیرند. از این رو، از حیطة تحلیل گفتمان می‌توان در دعاوی حقوقی مرتبط با ساختار محتوایی متن یا چگونگی تفسیر یا تدوین محتوایی قراردادهای جهت کشف حقیقت استفاده کرد.

از طرفی شای (۲۰۰۱) در مقاله خود تحت عنوان تحلیل گفتمان در بافت قانونی، بر کاربرد تحلیل گفتمان در گستره وسیعی از بافت‌های گوناگون اذعان دارد. از نظر او هر جا متن پیوسته و دنباله‌داری اعم از گفتاری و یا نوشتاری وجود داشته باشد، تحلیلی بلقوه را در درون خود دارد و حوزه قانون و قضا فرصت‌هایی را برای تحلیل گفتمان مهیا می‌سازد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱).

## تدوین شیوه‌نامه‌های بازجویی

منصوری (۱۳۸۹) استفاده علمی از زبان در بازجویی‌ها و برخورد پلیس با متهمین را در فرایند بازداشت و بازجویی بسیار مؤثر می‌داند. وی معتقد است بکارگیری استراتژی‌های لازم در مصاحبه‌ها و بازجویی‌های پلیس کم‌تر از ذکاوت او در بدام انداختن فیزیکی مجرم نیست. در همین رابطه جونز (۲۰۰۸) با تحلیل محتوایی بازجویی‌های سفیدپوستان و سیاه‌پوستان آفریقای، تأثیر ذهنیت پلیس را مورد بررسی قرار داد و نشان داد که تفاوت معناداری در بازجویی‌هایی که پلیس انگلیس از سفیدپوستان و سیاه‌پوستان به عمل آورده است، وجود دارد.

هال (۲۰۰۸) به بررسی بازجویی‌ها و اعتراف‌هایی که از متهم گرفته شده است، پرداخته است. او در تحقیق خود نشان داد که چگونه افسران پلیس در هر مرحله از بازجویی و تأیید برخی از اعتراف‌ها از طرف متهم، ضمن هدایت جریان بازجویی توانسته‌اند با تکرار برخی از سؤالات فرد مظنون را وادار به اعتراف کنند.

آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) در همین رابطه، کارکرد گفتمانی «پیش‌فرض» را به عنوان عنصر اصلی هدایت‌کننده به سمت اعتراف متهم و کشف حقیقت در بازجویی‌های پلیس می‌داند. او با آوردن گفتمان ذیل به تبیین این مهم پرداخته است:

افسر بازجو: دیروز که با احمد (مقتول) بیرون بودی، دقیقاً چه ساعتی برگشتی؟

متهم: ساعت چهار

نکته‌ای که در این پرسش و پاسخ وجود دارد، این است که شاید متهم با مقتول بیرون نبوده باشد، اما از لحاظ تحلیل گفتمان اکثر افراد بیشتر به بخشی از پیام توجه دارند که حاوی پرسش یا اطلاع باشد، نه همه بخش‌های پرسش به یک اندازه. به این گونه پرسش‌ها پرسش‌های هدایت‌کننده می‌گویند. اگرچه ظاهراً پرسش و پاسخ دو مقوله جدا هستند، اما گاهی نحوه پرسیدن سؤال از لحاظ ساختار جمله یا همان ساختار اطلاعی جمله، می‌تواند به گونه‌ای باشد که پاسخ را تأیید یا بر آن اثر بگذارد. مطابق با همین موضوع، در این نمونه افسر بازجو در انتهای جمله اول پرسش را مطرح می‌کند که متهم باید به آن پاسخ دهد، ولی در واقع این پرسش دارای پیش‌فرضی است که در بخش ابتدایی جمله آمده است. بنابراین، بازجو توانسته است به طور ضمنی به این نکته اشاره کند که متهم با مقتول ساعتی را بیرون از کارگاه گذرانده است و احتمالاً فرصت کافی برای ارتکاب قتل را نیز داشته است.

## تحلیل پیام‌ها و مکالمات تلفنی

علاوه بر کاربرد تحلیل گفتمان در تنظیم استراتژی‌های راهبردی پلیس در روند بازجویی‌ها، می‌توان به کاربرد این حوزه در تحلیل مکالمات شفاهی افراد به صورت حضوری یا تلفنی اشاره کرد. البته در این زمینه، زبان‌شناسان می‌کوشند با استفاده از مؤلفه‌های تأیید کننده درون متنی و برون متنی نظیر ابزار انسجام متنی تلاش کنند تا تحلیلی همه‌جانبه را از مکالمات صورت گرفته ارائه دهند.

به عنوان نمونه، شای (۱۹۹۳) در یک مشاجره تلفنی میان تاینر (ت) و هاید (ه)، با ابزارهای زبان‌شناختی و استفاده از کارکرد گفتمانی سکوت، ثابت می‌کند که اتهام تهدید علیه تاینر بی‌مورد است و قاضی او را تبرئه می‌کند. در این مشاجره هاید، مبلغی را به تاینر بدهکار است (مؤلفه‌های برون متنی) و به گمان او، تاینر در قبال پرداخت نکردن بدهی او، پسرش را تهدید می‌کند. هاید با اشاره به قسمتی از مکالمه، تاینر را متهم به تهدید پسرش کرده است:

ت - حال پسر ت چطوره؟

ه - چی گفتی؟

ت - حال دیوید چطوره؟

ه - منظورت پسرمه؟

ت - آره

ه - دان، پسرمو تهدید نکن. هر کاری می‌خوای بکن، اما هرگز پسرمو تهدید نکن.

ت - من هیچ کسی رو تهدید نمی‌کنم. فقط گفتم حال پسر ت چطوره؟

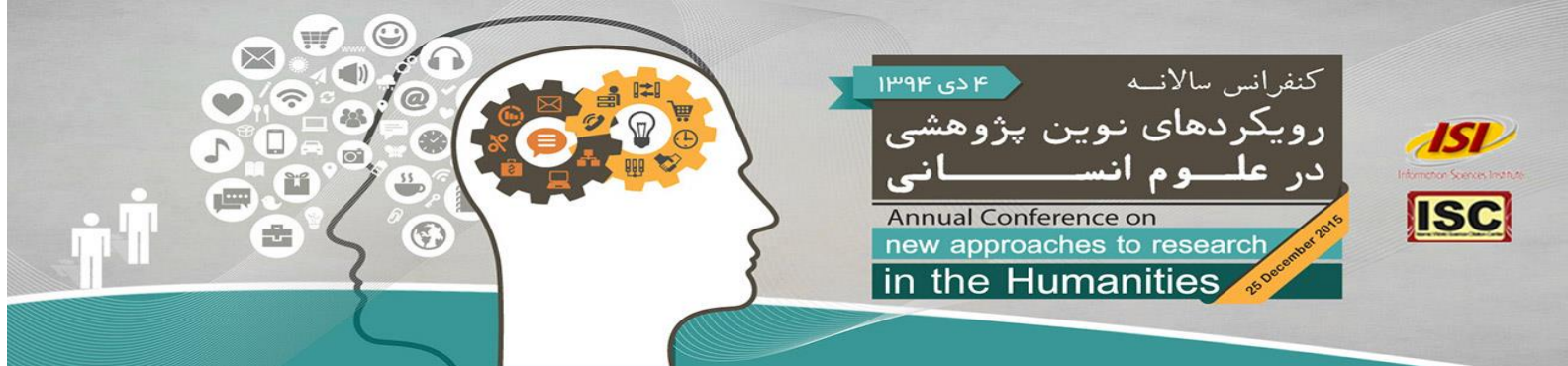
شای با دقت فراوان به مکالمه‌های ضبط شده، متوجه سکوتی که تاینر قبل از پرسیدن حال پسر هاید کرده بود، شد. بنابراین، او استدلال کرد که تاینر قبل از پرسش «حال پسر ت چطوره؟» مکثی می‌کند و با این کار قصد دارد موضوع مورد بحث را عوض کند. بنابراین، این جمله را نمی‌توان تهدید محسوب کرد.

در همین رابطه (عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱) اذعان دارند که به صرف شنیدن یک جمله نمی‌توان منظور گوینده را همان واژگانی دانست که بیان می‌شود. منظور گوینده را باید با توجه به کنش‌های زبانی قبلی و با توجه به پیش‌فرض‌ها، معانی تلویحی و نیت گویندگان و سایر مؤلفه‌های گفتمانی تحلیل کرد که در غیر این صورت شاهد شکل‌گیری سوء برداشت‌ها و باهامات عدیده‌ی واژگانی و دستوری خواهیم بود.

#### ۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه در این جستار از نظر گذشت، نمونه‌هایی از کاربرد زبان‌شناسی در پرونده‌ها و چالش‌هایی بود که در حیطه حقوق و علوم قضایی مطرح است. متأسفانه به دلیل آنکه در ایران این دانش میان رشته‌ای به صورت مستقل مورد توجه مراجع حقوقی، قضایی و انتظامی قرار نگرفته است، مطالعات منسجمی صورت نپذیرفته است. البته در سالیان اخیر با معرفی این شاخه از زبان‌شناسی کاربردی، شاهد نگارش مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی در سطح کشور بوده‌ایم. اما این مهم از لزوم توجه و ضرورت در نظر گرفتن جایگاهی ویژه برای کارشناسان زبان‌شناسی نمی‌کاهد. به تعبیری، علی‌رغم رجوع قضات و نظام قضایی کشور به کانون کارشناسان دادگستری که گستره قابل‌توجهی را از علوم مختلف مدنظر قرار داده است، کماکان از زبان‌شناسان به عنوان مراجع کارشناسی در حل پرونده‌هایی این چنین استفاده نمی‌گردد.

لذا، در این جستار تلاش شد، تا نمونه‌هایی را که زبان‌شناسان توانسته بودند مجریان قضایی را در امر قضاوت و تبرئه یا محکوم کردن مظنونین یاری نمایند، ارائه شود. البته ذکر تمامی این پرونده‌های حقوقی در این مقاله نمی‌گنجد، لیک نگارندگان کوشیدند تا زمینه‌های کاربردی فراوان حقوقی را که علم زبان‌شناسی می‌تواند به صورت کاملاً مستدل و علمی به ارائه شواهد و ادله قانونی بپردازد، بر مخاطب عرضه گردد. امید است، رفته‌رفته با انجام و نگارش پژوهش‌ها و مقالاتی این چنین، بتوان ضمن آشنا ساختن سطوح مختلف نظام قضایی کشور، نمونه‌های جدیدتری را به زبان‌شناسان حقوقی عرضه داشت.



۵- منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی). تهران: نشر علمی. چاپ دوم.  
 عزیزی، سیروس؛ مؤمنی، نگار. (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی، درآمدی بر زبان، جرم و قانون. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.  
 السون، جان. (۱۳۹۰). جرم‌واژه، کشف جرم از طریق زبان‌شناسی قانونی، ترجمه عزیزی و مؤمنی. تهران: نشر کتابدار.  
 منصور، مهرزاد. (۱۳۸۹). نقش زبان‌شناسی قضایی در ایجاد امنیت و تحقق عدالت. مجموعه مقالات همایش ملی دانش و امنیت.  
 افشار، ترنم. (۱۳۸۷). کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی. مجله کارآگاه، دوره دوم، شماره ۳. صص ۶-۱۶

- (ed.). ۱۹۹۴. *Language and the law*. London: Longman. Gibbons, J  
 Hollien, HARRY. ۱۹۹۰. *The acoustics of crime: The new science of forensic phonetics*.  
 New York: Plenum.  
 LABOV, W., and WENDELL A. H. ۱۹۹۴. *Addressing social issues through linguistic evidence*. *Language and the law*, ed. by John Gibbons, ۲۶۵-۳۰۵. London: Longman.  
 MCCARTHY, J. T. ۱۹۹۲. *Trademarks and unfair competition*, ۳rd edn. New York: Clark  
 Boardman Callaghan.  
 Shuy, R. W. ۱۹۹۳. *Language crimes: The use and abuse of language evidence in the courtroom*. Cambridge, MA: Blackwell.  
 Shuy, R. W. ۱۹۹۸. *The language of confession, interrogation and deception*. Thousand Oaks, CA: Sage.  
 Solan, L. M. ۱۹۹۸. Linguistic experts as semantic tour guides. *Forensic Linguistics* ۵, ۸۷-